



**حمید راضعی / استاد دانشگاه تربیت مدرس**

او یک هفته در میان در این صفحه، از منظر نشانه‌معناشناختی، مسائل فرهنگی را بررسی می‌کند؛ این بار درباره رسم و آیین مروت و جوانمردی نوشته که در زندگی مدرن امروز کم شده است.

## ۷ + | جامعه، فرهنگ و نشانه



### نشانه‌شناسی فرهنگی؛ در باب انسان جوانمرد و پهلوان ایرانی

## در جست‌وجوی آیین مروت

حرکت‌ها و نهادهای اجتماعی بوده که آیین مروت و جوانمردی در آنها به عنوان یک سبک زندگی عمل می‌کرده. همین آیین نذری دادن، زنجیرزنی یا سینه‌زنی در ایام عاشورا خود نمادی از فروتنی، زدودن غبار از جسم و جان و حس هم‌نوعی با برداشتن فاصله طبقاتی است. در غرب واژه اتیک معادل اخلاق جوانمردی است و نوعی فضیلت به شمار می‌رود. فیلسوفانی مانند ارسطو، اسپینوزا، پل ریکور، لویناس و حتی هایدگر و سارتر در باب اتیک که کنشی قهرمانانه در راستای وقف خود برای دیگری است سخن گفته‌اند، اما پرسش این است که چرا ما در دوره مدرن و این سال‌ها آیین مروت را از دست دادیم یا اینکه آن را گم کردیم؟ چه شد که رشادت‌ها و جوانمردی‌های دوران انقلاب و دوران جنگ ایران و عراق رنگ باختند. ما امروز سوار کدام کشتی هستیم و در کدام ساحل لنگر انداخته‌ایم؟ نمونه‌های زیادی از این بی‌مرامی‌ها در تقرب، ریا، دزدی، اختلاس، خیانت در تعهد، سوءاستفاده از اموال عمومی و از قدرت، بی‌عدالتی اجتماعی، نامهربانی با مظلومان، تحقیر دیگران، دروغ، غارت اموال عمومی، دست‌درازی به طبیعت، لوکس‌گرایی و اشرافی‌گرایی نهفته است. متأسفانه بعضی از مدیران ما که باید الگوی مروت برای جامعه باشند، خود پیش‌تاز در سبقت از دیگران در مال‌اندوزی هستند. حتی سکوت آنها در برابر بی‌عدالتی اجتماعی، قبول رشوه، اختلاس‌های کلان و دور زدن قانون را همه دیده‌ایم. بدتر و دردآورتر اینکه بسیاری از این موارد نهادینه شده‌اند، طوری که دیگر حتی اصلاح آن برای جامعه هزینه دارد. چه شد که ما با وجود همه شعارها و اهداف انقلابی مروت را گم کردیم؟ میل به سبقت از یکدیگر، رفاه‌طلبی محض، خودخواهی، قدرت‌طلبی و بخصوص نوعی فضای فکری که می‌توان آن را فرصت‌طلبی محض نامید که حالا تبدیل به یک ضد آیین شده است، در حال سوزاندن ریشه‌های مروت در کشوری است که مردانی مانند آرش کمانگیر و انوشیروان عادل را داشته که زنجیر و زنگ را جلوی قصر خود آویخت تا صدای هر بینوا و مظلومی با تکان دادن زنجیر مستقیم به خود او برسد.

راه بازگشت به اخلاق مرامی و مروت چیست؟ در مدارس ما چقدر درس مروت به کودکان داده می‌شود؟ آیین مروت نیاز به الگوسازی دارد؟ کجا باید الگوهای مروت و جوانمردی؟ بی‌شک گروه‌ها و نهادهای حامی فقر و دردمندان وجود دارد. ولی اینها بیشتر مانند نهادهای اداری عمل می‌کنند. بازگشت به آیین مروت زمانی شکل می‌گیرد که نوجوانان مادر ساعاتی از مدرسه بیرون بیایند و در نظارتی فرهنگی مانند نوجوانان ژاپنی آشغال‌های کف خیابان را جمع کنند تا همدردی با مسأله اخلاق انضباطی در آنها نهادینه شود. بازگشت به آیین مروت یعنی اینکه هر مدیری به بهترین الگوی گذشت، بخشش و جوانمردی برای دیگران تبدیل شود. متأسفانه باید پیرسیم ما در چه چیز با هم مسابقه گذاشته‌ایم و در چه چیزهایی به دنبال سبقت گرفتن از یکدیگر هستیم؟ در ثروت‌اندوزی، اشرافی‌گرایی و قدرت‌اندوزی! در این سبقت ما حتی دچار اضطراب و وجودی شدیم. در این سبقت ما نه به خود، نه به دیگری و نه به طبیعت رحم نکردیم. راه بازگشت به آیین جوانمردی مرور عملی تاریخ و تربیت و آموزش عملی آیین مروت و ارائه الگوی کاربردی از سوی همگان بویژه عالمان، هنرمندان، مدیران، اندیشمندان و... است.

یعنی: رازداری، بخشش، گذشت، پاکی، صداقت، خویشتن‌داری، وفای به عهد، از خودگذشتگی، میهمان‌نوازی، حق‌نان و نمک، امانتداری، قناعت، آزادی و از همه مهم‌تر فروتنی. در زورخانه‌ها، پهلوانان عریان هستند و فقط لنگی دور کمر دارند. این عریانی نشانه چیست؟ بی‌شک نشانه تهی بودن از هر نوع کبر و غرور است. پهلوان عریان همه ابزار مادی و تزئینی را که نشانه‌های غفلت از حقیقت وجودی هستند، کنار می‌گذارد و به میدان می‌آید تا از هر قید و بندی رها شود. همچنین همه درهای زورخانه‌ها کوتاه هستند، چرا که پهلوان باید خم شود تا بتواند وارد زورخانه شود و این نشانه فروتنی، افتادگی و دوری از غرور است. در آیین پهلوانی ایرانی، شجاعت با مروت و مردانگی همراه است. شطاران هنگام نبرد پیش‌بندی چرمی به خود می‌بستند و این نمادی از همان پیش‌بند چرمی است که کاوه آهنگر در هنگام مبارزه با ضحاک با خود حمل کرد. همه این موارد نشان می‌دهد که تاریخ ما مملو از



**در زورخانه‌ها، پهلوانان عریان هستند و فقط لنگی دور کمر دارند. این عریانی نشانه چیست؟ بی‌شک نشانه تهی بودن از هر نوع کبر و غرور است. پهلوان عریان همه ابزار مادی و تزئینی را که نشانه‌های غفلت از حقیقت وجودی هستند، کنار می‌گذارد و به میدان می‌آید تا رها از هر قید و بندی شود**



پهلوانی و آیین فتوت نمادی از فرهنگ دیرینه ایرانیان است که مهم‌ترین معنای آن اخلاق و جوانمردی است. پهلوان واژه‌ای است که از دو بخش «پهل» و «ان» تشکیل شده است که معنای قسمت اول آن دلیری و شجاعت مردمانی از سرزمین پارت است که رستم بزرگ‌ترین پهلوانی است که از سرزمین پهلوهایی یعنی همان سیستان برخاسته. پهلوان به معنای زور بازو نیست؛ بلکه منش، بزرگی و جوانمردی است. در طول تاریخ حضرت علی (ع)، پوریای ولی، منصور حلاج، حسنک وزیر، سمک عیار، رستم، امیرکبیر، ستارخان، باقرخان، غلامرضا تختی و داش آکل، همه نمادی از پهلوانان جوانمرد تاریخ ما هستند. براین اساس، تاریخ ما از همان ابتدا مرام و مروت را در ریشه‌های خود داشته است، به گونه‌ای که این امر تبدیل به یک سبک زندگی برای نسل‌ها شد. در مثنوی مولانا حکایت خدوانداختن بر صورت امام علی (ع) هنگامی که آن یل عرب زیر دستان او بود و امام آماده گرفتن جانش، نمونه‌ای از همین مروت است. امام از کشتن دشمنش با مروت صرف‌نظر کرد و استدلالش این بود که نمی‌خواست جان کسی را از روی غضب بگیرد. اما هر فرهنگی همواره درون خود دوگانه‌هایی دارد که در تقابل با هم قرار دارند، یعنی در کنار آیین پهلوانی و مروت، ناجوانمردی هم همیشه وجود داشته. همه ما ماجرای کاخ خورنق و به قتل رساندن معمار چیره‌دستی را که از راز آن کاخ آگاه بود، می‌دانیم. پادشاه معمار را کشت تا آن راز را فقط خودش بداند و پس. همچنین حکایت شاه و کنیزک مولانا هم بر کسی پوشیده نیست. شاه که عاشق کنیزکی شد و او را به کاخ آورد متوجه شد کنیزک هر روز زرد و نزار می‌شود و در حال مرگ است؛ تا اینکه حکیمی به شاه گفت درمان او ز زرگری در سمرقند است که کنیز عاشق اوست. حکیم پیشنهاد کرد زرگر را بیاورند و وعده طلا و خزانه‌داری به او بدهند. با دیدن زرگر، کنیز بهبود یافت اما به محض بهبودی کنیز، دارویی سمی به زرگر خوراندند و او زرد و نزار بر تخت بیماری افتاد. کنیز با دیدن چهره بی‌جان او دست از عشق او برداشت و زرگر نیز جان باخت. اینها نمونه‌هایی از بی‌مروتی هستند که خود دلالت بر اهمیت و جایگاه مروت و جوانمردی در آداب ما دارند.

آیین زورخانه‌ها نیز که در کشور ما تاریخی طولانی دارد نمادی از همین مروت و جوانمردی است. عیاران نیز که همواره در تاریخ ما جایگاهی مهم داشته‌اند و حق مظلوم را از ستمگر می‌گرفتند و به داد بینوایان می‌رسیدند بر مبنای همین جوانمردی و مروت شکل گرفته است. سریداران نیز جوانمردان و عیارانی بودند که علیه ستم مغول و پیداهای آنان شکل گرفتند و همیشه جان بر کف بودند. اما واژه‌های پهلوانی، جوانمردی، مروت، عیاری و فتوت در تاریخ ما دارای نهادهای اجتماعی بوده و این نشان می‌دهد که فرهنگ جوانمردی یک آیین اجتماعی بوده که در طول تاریخ ملی ما همواره وجود داشته است. چیزی که در غرب شوالیه‌گری نامیده می‌شد ولی به هیچ وجه وسعت و دامنه آیینی و اجتماعی مروت در معنای سرزمین پارت را دارا نبوده است. خانم فرزانه باخدا در مقاله‌ای تحت عنوان «آیین جوانمردی به مثابه الگوی اخلاقی-اجتماعی» که در سال ۱۳۹۲ در فصلنامه تخصصی اخلاق و حیانی منتشر شده است به ارائه بعضی از ویژگی‌های آیین جوانمردی پرداخته است. براساس این مقاله، جوانمردی و مروت